

## 305015 - لباس احرام چگونه است و «کعب» یا کجاست؟

### سوال

درباره کفش‌هایی که انسان اجازه دارد در حج بپوشد حنفی‌ها - به ویژه امام حسن شیبانی - می‌گویند که کعب همان کف بخش جلوی پاست و در این حالت، بالاترین احتیاط برای فهم معنای کف پا در این مسئله این است که انسان هر کفشی که بپوشد باید این دو بخش در حال احرام بیرون باشد. حال سؤال من این است که کدام بخش از پاها باید در هنگام احرام بر حسب مذاهب مالکی و شافعی و حنبلی بیرون باشد؟ لطفا مانند همیشه منابع را ذکر کنید. آیا در سنت روشی خاص برای پوشیدن لباس سفید احرام وجود دارد؟

### پاسخ مفصل

اولاً:

از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که مردی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پرسید: ای رسول خدا، شخص مُحَرَّم چه لباسی بپوشد؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «پیراهن و عمامه و شلوار و بُرُئُس و خُف (موزه - پاپوش) نپوشد مگر آن که کسی نعلین (دمپایی) نیافت پس [به جای آن] موزه بپوشد و آن را تا پایین کعبین ببرد» به روایت بخاری (۱۵۴۳) و مسلم (۱۱۷۷).

حنفی‌ها «کعب» را سینه پاها و وسط آن یعنی محل بستن بندهای کفش دانسته‌اند.

اما جمهور از مالکی‌ها و شافعی‌ها و حنابله «کعب» را همان استخوان برجسته در مفصل کف و ساق پا می‌دانند.

در «دایرة المعارف فقهی کویتی» (۲/ ۱۵۳) آمده است:

«هر کس نعلین (دمپایی) نیافت، موزه و پاپوش را تا پایین‌تر از کعبین ببرد و بپوشد، چنان‌که در نص حدیث آمده است.

و این قول سه مذهب حنفیه و مالکیه و شافعیه و روایتی از احمد است.

جمهور مذاهب، کعب را که باید خف را از پایین آن برید [تا آن‌که بیرون از خُف و پاپوش قرار گیرد] همان استخوان برجسته در مفصل میان استخوان کف پا و ساق دانسته‌اند.

اما حنفیان کعب را مفصل وسط پا یعنی جایی که بند نعلین بسته می‌شود دانسته‌اند و وجه این رای را چنین دانسته‌اند که «از آن جایی که لفظ کعب هم به این محل و هم به استخوان برجسته اطلاق می‌شود، بنا بر احتیاط آن را کعب در نظر می‌گیریم».

حافظ ابن حجر - رحمه الله - می گوید:

این سخن که **«پایین تر از کعبین را [از پاپوش] ببرد»** در روایت سابق ابن ابی ذئب در پایان کتاب العلم آمده است: **«تا آن که پایین تر از کعبین قرار گیرند»**.

منظور این است که کعبین در احرام بیرون از پاپوش باشد و منظور از کعبین دو استخوان برجسته [در دو طرف پا] در محل مفصل [کف] پا و ساق است و روایت ابن ابی شیبه از جریر از هشام بن عروه از پدرش در تایید آن است که می گوید: **«اگر شخص مُحَرَّم نیاز به [پوشیدن] پاپوش داشت روی آن را می برد و به اندازه ای باقی می گذارد که از پایش نیفتد»**.

محمد بن حسن و کسانی از حنفیان که پیرو او شده اند می گوید: **«کعب»** در این جا همان استخوان وسط (روی) پا در محل بستن نعلین است.

و گفته شده: چنین چیزی از اهل لغت شناخته شده نیست و برخی گفته اند این سخن از محمد [بن حسن] شناخته شده نیست و سبب آن چیزی است که هشام بن عبیدالله از او نقل کرده که شنید ایشان در مسئله ای گفت: شخصی که در احرام است اگر نعلین (دمپایی) نیافت، پاپوش خود را می برد و این جا محمد به محل بریدن اشاره کرد. هشام این را تا محل شستن پاها در وضو نقل کرده است.

با این روایت بر نقلی که از ابوحنیفه شده تعقیب می گردد، مانند ابن بطال که گفته: کعب همان بخش برجسته بر قسمت روی پا است؛ بنابراین از این واقعه که از محمد بن حسن نقل کرده اند - بر فرض درست بودن این نقل - الزاما چنین برداشت نمی شود که این سخن ابوحنیفه است «(فتح الباری: ۳/۴۰۳)».

و قول درست همان قول جمهور [فقها] است که جمهور اهل لغت نیز بر همین رای اند.

واحدی می گوید: **«به سخن کسانی که می گویند کعب بر روی پاست توجه نمی شود زیرا این خارج از لغت و اخبار و اجماع مردم است»** (البسیط: ۷/۲۸۵).

ثانیا:

سنت این است که شخص حاجی یا مُعْتَمِر در یک ردا و ازار احرام کند.

از ابن عمر روایت است که مردی صدا زد: ای رسول خدا! شخص در حال احرام از چه لباسی باید دوری کند؟ ایشان فرمودند: **«شلوار و پیراهن و بُرُنُس و عمامه و لباسی که زعفران و وُزَس به آن رسیده را نپوشد و هر یک از شما در یک ازار و یک ردا احرام کند...»** به روایت امام احمد در مسند (۸/۵۰۰) و محققان مسند آن را صحیح دانسته اند. شیخ آلبنی نیز در **«إرواء الغلیل»** (۴/۲۹۳) آن را صحیح دانسته است.

[بُرئُس: نوعی لباس بلند که بر روی لباس اصلی پوشیده می‌شود و بخشی از آن همچون کلاه بر روی سر قرار می‌گیرد. ورس: نوعی گیاه که برای سرخ کردن لباس از آن استفاده می‌شد]

ردا همان تکه پارچه‌ای است که بخش بالایی بدن را می‌پوشاند به این شکل که بر روی کتف گذاشته می‌شود و دو طرف آن بر روی سینه قرار می‌گیرد.

و با اِزار پایین بدن را می‌پوشاند.

زبیدی - رحمه الله - می‌گوید:

«و اِزار با کسره، معروف است که همان «ملحفه» (ملافه) است که برخی از اهل غریب [لغت] آن را چنین تفسیر کرده‌اند که چیزی است که پایین بدن را می‌پوشاند و ردا: تکه‌ای است که بالای بدن را با آن می‌پوشاند و هر دو دوخته نشده‌اند. و گفته‌اند: اِزار چیزی است که زیر عاتق باشد و وسطش در پایین باشد و ردا آن است که بر کتف و پشت قرار گیرد و گفته‌اند اِزار آن است که پایین بدن را بپوشاند و دوخته شده نباشد و همه صحیح است...» (تاج العروس: ۱۰ / ۴۳).

شرط نیست که لباس اِحرام الزاما سفید باشد بلکه این مستحب است و کاری است که مسلمانان بر آن بوده‌اند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید:

مستحب است که در دو تکه لباس پاک اِحرام کند که اگر سفید باشند بهتر است...

و جایز است که در لباس سفید یا دیگر رنگ‌های جایز اِحرام کند» (مجموع الفتاوی: ۲۶ / ۱۰۹).

ابن قدامه - رحمه الله - می‌گوید:

«مستحب است که [این دو تکه لباس] پاک باشند؛ یا نو و یا شسته شده؛ زیرا ما پاک بودن بدن را برای او مستحب دانستیم، پس در لباسش نیز باید چنین باشد مانند کسی که شاهد جمعه است.

بهتر آن است که این دو تکه سفید باشند؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: **«بهترین لباس شما سفید است؛ پس آن را بر زندگان تان بیوشانید و مردگان تان را در آن کفن کنید»** (المغنی: ۷ / ۷۷).

والله اعلم.